

صفویه، راه‌های حج و حجاج ماوراءالنهر (سال‌های ۱۰۳۸-۹۰۷ق. / ۱۶۲۹-۱۵۰۱م.)

زینت تاج علی^۱

چکیده

در اغلب پژوهش‌ها، با استناد به منابع رسمی و مکاتبات همسایه‌های شرق و غرب (شیبانیان و عثمانی)، صفویه را موجب بسته شدن راه‌های حج بر روی زائران ماوراءالنهر و مناطق داخلی ایران دانسته‌اند. در مقاله حاضر، به بررسی راه‌های حج در قلمرو صفویه تا پایان حکومت شاه عباس پرداخته‌ایم. بر پایه یافته‌های این پژوهش، دولت صفویه از بسته شدن راه‌های حج متضرر می‌شد و با روش‌های دیپلماتیک و سیاسی برای بازگشایی راه‌ها کوشش می‌کرد. افزون بر این، دولت‌های همسایه که با حملات همزمان از شرق و غرب موجب بروز اغتشاش و ناامنی در دو طرف مسیر سنتی تجارت و تردد زائران بودند، خود در مسدود شدن راه‌های حج نقش داشتند، اما از این اتهام به عنوان حربه‌ای برای آسیب به دولت صفوی استفاده می‌کردند. به ویژه آنکه ریشه‌ها و مشترکات و نقش دولت عثمانی در کسوت خادم حرمین شریفین و حاکمان جهان اسلام، هر دو دولت را در رسیدن به مقصود یاری می‌کرد.

واژگان کلیدی:

صفویه، حجاج ماوراءالنهر، راه‌های حج

مقدمه

در ابتدای قرن ۱۰ هجری قمری/ ۱۶ میلادی، دولت صفوی در ایران و در مجاورت امپراتوری عثمانی تشکیل شد. همزمان در ماوراءالنهر (شیبانیان ازبک) حکومتی با خاستگاه قبیله‌ای و با داعیه میراث‌داری چنگیز بر سرکار آمد. سیاست، اقتصاد، فرهنگ و عرصه‌های مشترک روابط داخلی و خارجی این حکومت‌ها که در مجاورت یکدیگر به دنبال گسترش قلمرو و حفظ منافع خویش بودند، جایگاه ویژه‌ای در مطالعات تاریخی دارد.

در این میان، دولت صفوی که به سبب سیاست مذهبی از همسایگان متمایز بود، بر مرکز راه‌های ارتباطی میان شرق و غرب تسلط داشت. اهمیت این شبکه وسیع، که گردش امور ترابری و اقتصادی را امکان‌پذیر می‌کرد، در امور دینی و زیارت حج نیز خاص بود: تجار، مسافران و زائران شرق جهان اسلام برای رسیدن به حجاز، باید از راه‌های طولانی و پر پیچ و خم که بخشی از آن در قلمرو صفویه بود، می‌گذشتند.

در اغلب پژوهش‌ها با تکیه بر منابع و مکاتبات همسایگان شرق و غرب صفویه، مسیر جاده‌های حج در قلمرو صفویه ناامن و بسته ذکر شده است؛ از آن جمله، صفویه را عامل بسته شدن راه‌های حج بر روی زائران ماوراءالنهر دانسته‌اند.

در پژوهش حاضر، با استفاده از منابع و مکاتبات رسمی صفویه و همسایگان، نتایج پژوهش‌های اخیر در باب سبب چشم‌پوشی زائران آسیای مرکزی از راه‌های مستقیم و کوتاه‌تر بررسی و ارزیابی شده است.

چشم‌انداز جاده‌های زیارتی ماوراءالنهر به مکه

از ادوار باستان، ایران بر سر شاهراه تجاری و ارتباطی شرق و غرب قرار داشت و نقش آن به عنوان حلقه واسط در شبکه حمل و نقل جهانی و منطقه‌ای، ممتاز بود و شبه قاره هند، آسیای صغیر، شبه جزیره عربی، روسیه و چین را به یکدیگر متصل می‌کرد.

با ظهور اسلام و تشکیل حکومت‌های اسلامی، اهمیت راه‌های فلات ایران، به سبب اشتیاق مسلمانان در انجام فریضه حج برای ساکنان شرق آسیا رو به افزایش نهاد. در قرن دهم هجری قمری، زائران آسیای مرکزی برای رسیدن به حجاز، سه جاده مهم پیش رو داشتند:

۱. زائران ماوراءالنهر از سمرقند و بخارا با عبور از استپ به دریای مازندران می‌رسیدند و سپس از آنجا به آستراخان می‌رفتند. چندی در آنجا توقف و استراحت می‌کردند، سپس به شهر کفه یا اوزی جایی که کشتی‌ها برای بردن آنها به بندرگاه‌های عثمانی منتظر بودند، می‌رفتند. آنان راه خود را به استانبول ادامه می‌دادند و همراه با زائران عثمانی رهسپار مکه می‌شدند (Alpargu, 2014:403).

۲. جاده‌های مرکزی از ایران می‌گذشت و سپس از طریق دریا و خشکی، مسافران به مکه می‌رسیدند.

۳. جاده‌های جنوبی مسافران از سرزمین هند و بندر سورات و سپس از راه دریایی به موکا (در یمن) و از آنجا به جده می‌رفتند (McChsney, 2003: 130).

زائران در انتخاب جاده بیش از هر چیزی به مسائلی از این دست توجه داشتند: وجود جاده‌های فرعی و قابل دسترس، موقعیت جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی مناسب و شرایط جوی آب و هوایی و بیشتر از همه امنیت کافی و هزینه‌های مربوط (Ibid).

زائران ماوراءالنهری برای رسیدن به کعبه مقصود، جاده‌های مختلف زمینی و دریایی را در پیش رو داشتند، از جمله جاده موسوم به راه ابریشم که مهم‌ترین و قدیمی‌ترین راه بود (MohdRoslanMohdNar, 2013: 1692). در واقع از لحاظ تئوری و عملی، کوتاه‌ترین جاده‌های زیارتی به مکه برای زائران ماوراءالنهری، سفر از سمرقند و بخارا و عبور از ایران (از مسیر خراسان) به سوی بصره بود، تا که از آنجا عازم مکه شوند (Alpargu, 2014:403). بنابر این، زائران ماوراءالنهری که سفر خود را از سمرقند یا بخارا شروع می‌کردند، با عبور از جنوب شرق آمودریا به چهارجو (چارجو) و سپس از طریق صحرا به مرو در خراسان می‌رسیدند. شهرهای سرخس، مشهد، نیشابور و اسفراین

مقاصد بعدی آنان بود. شرایط آب و هوا و مشخصات جاده می توانست آنان را به سمت استرآباد و در امتداد جاده ساحلی دریای مازندران با جذابیت‌های طبیعی برای جهانگردان هدایت کند. در این صورت پیش از رسیدن به ساری راه خود را به سمت سمنان در مسیر جنوب در پیش می‌گرفتند و هم می‌توانستند مستقیماً از اسفراین به سمت سمنان بروند (بخشی از راه قدیمی ابریشم از مشهد، نیشابور، دامغان، سمنان، تهران و ساوه می‌گذشت) (فریر، ۱۳۸۴: ۲۶۷).

انتخاب مسیر مسافران در سمنان

مسافران در سمنان دو انتخاب پیش رو داشتند که عبارت بودند:

۱. از جاده بیابانی به طرف جنوب غرب به کاشان و سپس اصفهان بروند و با عبور از زاگرس به دزفول و سپس به بصره برسند. شرایط سفر، زائران را در انتخاب راه دریا (از طریق موکا به جده) یا راه‌های زمینی مخیر می‌کرد.
۲. از جاده‌های غرب به طرف ساوه، همدان، کرمانشاه و بغداد بروند و در آنجا با پیوستن به کاروان‌هایی که زائران را به دمشق می‌برد، رهسپار مقصد شوند (McChsney, 2003: 142).

البته جاده دیگری به نام جبل، بصره و بغداد را به حجاز متصل می‌کرد. بنا بر برخی اسناد، علی‌رغم ممانعت دولت عثمانی در استفاده از راه جبل، زائران ایرانی علاقه‌مند بودند از آن مسیر به مکه بروند. در این راه بیابانی با وجود خطراتی چون کمبود آب، مشکلات امنیتی و عدم نظارت دولت عثمانی، مزیت فوق‌العاده زیارت عتبات عالیات برای ایرانیان وجود داشت و این امتیاز از دید دولت عثمانی پنهان نبود (دوغان، ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۷۹).

دولت عثمانی، تردد زائران ایرانی عتبات و حرمین شریفین را به دقت تحت نظارت و کنترل داشت و محدودیت‌هایی از قبیل ممنوعیت ورود به قلمرو عثمانی در ایام غیرحج، دور شدن کاروان‌های ایرانی از مناطق مسکونی (Faroghi, 2004: 162) و

بازگشت پیش از موعد (دوغان، ۱۳۸۹: ۱۸۱) را بر آنان اعمال می‌کرد. سرانجام هم، راه جبل برای همیشه بر روی ایرانیان مسدود شد (همان). علاوه بر آن، این دولت هیچ‌گونه تضمین امنیتی به حجاج ماوراءالنهری که از راه‌های عراق عبور می‌کردند، نمی‌داد (همان: ۱۸۵) و این امر به منزله هدایت زائران آسیای مرکزی به مسیر دیگری جز راه‌های ایران بود.

تسلط بر جاده‌های زیارتی که یکی از عوامل تنش‌زا میان عثمانی، ممالیک و ایران بود و به منزله پیشرفت سیاسی و مالی نیز تلقی می‌شد، با حمله عثمانی به مصر و از بین بردن دولت ممالیک، اخذ عناوین "خلیفه جهان اسلام" و "خادم حرمین شریفین" امکان‌پذیر شد (Tutuncu, 2013: 36). بدین ترتیب، عثمانی هدایت امور مربوط به حج را در دست گرفت (Alpargu, 2014: 407) و از آن پس می‌توانست به بهانه عدم امنیت، مسیر جاده‌های حج را تغییر دهد. آنچه که در تغییر مسیر جاده دیگر اهمیت داشت، درخواست خان‌های ماوراءالنهر برای آزاد کردن آستاراخان از تسلط روس‌ها بود (Ibid). تصرف آستاراخان، علاوه بر اینکه توجیه مذهبی داشت، توان اقتصادی عثمانی را به طور چشمگیری افزایش می‌داد. مجموعه این عوامل علاوه بر محرومیت رقبا از منافع تردد کاروان‌های تجاری- زیارتی، پیروزی چشمگیری نیز محسوب می‌شد. بدین ترتیب، عثمانی با استفاده از مشروعیت دینی، علاوه بر کسب منافع اقتصادی و پیروزی بر رقبای سیاسی و منطقه‌ای می‌توانست در پرچمداری جهاد علیه کفار نیز داعیه‌دار باشد.

تأثیر حملات همسایگان به شرق و غرب قلمرو صفوی

شکل‌گیری حکومت سنی مذهب شییبانیان از یک در ماوراءالنهر با تشکیل دولت شیعی صفوی در ایران مقارن شد. مناسبات بین این دو دولت نوظهور از آغاز، تحت‌الشعاع توسعه‌طلبی نظامی قرار گرفت و پیش از آنکه جنبه دیپلماتیک پیدا کند، شکل جنگی یافت: از یک‌سایه‌دار جان‌شینی تیموریان بودند، هرات را تصرف کردند و خراسان را

پایگاه حمله به نقاط دیگر قرار دادند. تشدید حملات و گسترش دامنه نفوذ و تاخت و تاز آنان تا استر آباد (Bergel, 1990: 522)، صفویه را به مقابله با آنان برانگیخت.

طرفین با ارسال نامه‌هایی (نوایی، الف: ۸۸-۷۱)، آمادگی خود را برای جنگ اعلام کردند و خان شییبانی در نامه خود «عزم گذاردن حج اسلام در خاطر» (خواند میر، ۱۳۶۲: ۵۰۴) را دلیل تصرف عراق و آذربایجان خواند. اگر چه شکست و قتل خان شییبانی، جانشینان او را به مصالحه و عقب‌نشینی به آن سوی جیحون واداشت (تتوی، ۱۳۷۸: ۳۴۹)، اما عدم پایبندی به عهد و پیمان (اسکندربیک منشی، ۱: ۳۹/۱۳۸۲) اتخاذ سیاست رسمی جنگ و گریز، مرگ شاه اسماعیل و جانیشینی پسر جوان او شاه تهماسب (۹۸۴-۹۱۹ ق.) برای خوانین شییبانی فرصتی فراهم آورد تا دور جدید حملات به قلمرو ایران را آغاز کنند. این حملات به فرماندهی عبید الله خان (۹۴۶-۹۴۰ ق.) که با مشکلات داخلی و حمله عثمانی به قلمرو شاه تهماسب شدت یافته بود، در نبرد جام (۹۳۵ ق.) ناکام ماند و به طور موقت متوقف شد (روملو، ۱۳۷۵: ۲۸۸-۲۷۴).

به زودی عبدالله خان تهاجم به قلمرو صفویه را آغاز کرد. او نخست فتوای علمای ماوراءالنهر را به دست آورد که در آن هرات "دارالحرب" و سپاهیان شییبانی لشکر اسلام و "غازی" خوانده شده بودند (حافظ تانیس: ۸۷۲-۸۷۱). پس از فتح هرات، سپاهیان عبدالله خان «وباش ایشان [صفویه] را توقیف بضرر چوب و سنگ می‌کشند، چنان که در کوچ‌های شهر هری به جای آب روان سیل خون افشان.....افتاد.....از جانب حضرت سلطان قهرمان قهر به قتل عام مردم شهر فرمان فرمود» (همان: ۸۶۴). آنگاه اعلام کرد: «شک نیست که فتح الباب این فتح [شهر هرات] دیباچه فتوحات ولاین و مقدمه تسخیر عتبات عالیات و حرمین شریفین خواهد بود» (همان: ۸۶۵). زان‌پس، مشهد، نیشابور، اسفراین، مرو و توابع آن، لگدکوب سم اسبان ازبک شد (خواجم قلی بیک بلخی: ۲۳۷ الف).

ازبکان در این مناطق که از مراکز اقتصادی و بر سر راه کاروان‌های، زیارتی و تجارتی بودند، فجایع بسیاری مرتکب شدند که قتل عام مردم مشهد، غارت حرم امام علی بن موسی الرضا (ع)، نبش قبر و سوزاندن اجساد قسمت کوچکی از آن بود

(bereg1,1990:522). حضور طولانی مدت شیبانیان در خراسان به هنگام سلطنت شاه عباس را تواریخ رسمی صفویه بر اثر عواملی چون بیماری (اسکندر بیک منشی، ۱۳۸۲: ۱/۴۱۲)، شورش‌های محلی و مسائل داخلی (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۲: ۵۸۴) نوشته‌اند. گفتنی است که شاه صفوی تا ۱۰۰۶ ق. که برادران شرلی به سازماندهی لشکر او پرداختند، سربازان تعلیم دیده‌ای برای بازپس‌گیری این شهرها در اختیار نداشت (Burton,1994:77). شاه عباس با مجموعه‌ای از اقدامات نظامی و گسترش مناسبات دیپلماتیک و اتحاد با همسایگان (اسکندر بیک منشی، ۱۳۸۲: ۵۴۴-۵۴۳) و مهم‌تر از همه، صلح با عثمانی توانست حصول به مقصود را با روش‌هایی کارآمدتر امکان‌پذیر سازد (همان). گرچه سیاست‌های شیبانیان از یک را اخلاف آنان دنبال می‌کردند،^۱ اما شاه عباس توانست با تنظیم روابط و اتخاذ دیپلماسی مناسب از شدت حملات ازبکان در شرق قلمرو خویش جلوگیری کند (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۲: ۶۰۲-۵۹۱).

بدین ترتیب، بیشتر از ۱۰۰ سال منطقه خراسان، صحنه کارزار ازبکان از یک سو و خراسانیان و سپاه دولت صفوی از سوی دیگر بود. در جنگ‌های مکرر و طولانی مدت شهرهای خراسان تخریب (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰: ۸۳)، مزارع و مراتع سوخته (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۲: ۳۶۷-۳۷۳)، قنات‌ها و کاریزها کور، راه‌ها نامن و بازارها کساد شد. این مسائل علاوه بر تأثیر منفی در تجارت منطقه (فریر، ۱۳۸۴: ۲۳۲) آثار نامطلوبی بر بخش‌های دیگر اقتصاد از جمله گذر کاروان‌های تجارتنی- زیارتی می‌نهاد. افزون بر آنچه گذشت، دولت صفوی در غرب نیز با امپراتوری عثمانی رو به رو بود. روابط دامنه‌دار این دو دولت در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی موضوع پژوهش‌های متعدد بوده است؛ به ویژه آنکه در بُعد مذهبی موجودیت دولت صفوی مانعی عمده بر سر راه عثمانی برای ایفای نقش خلیفه جهان اسلام بود (شهریاری، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

۱. برای آشنایی با آنان ر.ک. باسورث سلسه‌های اسلامی جدید، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی

علاوه بر مسائل تنش‌زای مذهبی، می‌توان به سیاست توسعه طلبی ارضی باب عالی در شرق، کوشش برای تصرف راه‌های بازرگانی (فریر، ۱۳۸۴: ۲۲۷) و مراکز عمده آن و همچنین انحصار تجارت شرق به غرب (۹۳:۱۳۸۸) اشاره کرد. از سوی دیگر، عثمانی با درک اینکه مسیر اصلی ورود فلزات گرانبها به ایران از سوی جاده‌های غربی- قلمرو عثمانی- و از راه بغداد و تبریز است (رودی متی، ۱۳۸۲: ۱۰۸)، با حمله به قلمرو صفویه، در صدد محصور کردن آن بود.

حملات عثمانی برای تسلط بر شهرهای آباد و پرجمعیت صفویه، که با ایجاد ۵ جنگ در سده دهم هجری قمری (شعبانی، ۱۳۸۹: ۱۱۴) به صورت مستمر پیگیری می‌شد، ضربه سنگینی بر تجارت صفویه وارد می‌آورد. تصرف مناطقی که عموماً بر سر راه‌های تجاری و غنی‌ترین ولایات ایران بودند (سیوری، ۱۳۷۲: ۸۸)، تسلط بر مناطق ساحلی دریای مدیترانه (دهقانی، ۱۳۸۸: ۹۳) و علاوه بر آن، در اختیار داشتن راه‌های آناتولی و تسلط بر راه‌هایی که در موازات دره فرات (پس از شکست ایرانیان در چالدران ۹۲۰ق./۱۵۱۴م. و شکست ممالیک در مرج الدابق در ۹۲۲ق./۱۵۱۶م.) به حلب می‌رسید و هم‌چنین تصرف بغداد در ۹۴۱ق./۱۵۳۴م. عملاً همه راه‌های غرب ایران را زیر سلطه عثمانی در آورده بود (فریر، ۱۳۸۴: ۲۷۷).

ریشه‌های مشترکی از اخلاق، فرهنگ و مذهب (Alpargu, 2014: 401) از بکان و دولت عثمانی را به سوی اتحاد و پیمان دلالت می‌کرد، به ویژه آنکه دشمن مشترک زمینه این اتحاد و دوستی را بیشتر فراهم آورد. آنان با اعزام سفیر و ارسال نامه، اخبار مهم را مبادله می‌کردند؛ از قبیل پیروزی بر دشمن (فریدون بیک، ۱۲۷۵: ۴۱۶-۱۵/۴۱۵)، مرگ و جلوس پادشاهان (همان: ۲۳۸/۲-۲۳۷ و ۸۱-۸۰)، از بین بردن مخالفان داخلی (همان: ۸۱-۸۰) و توجه به امور حجاج و زائران (همان: ۲۴۴-۲۴۲ و ۲۳۷-۲۳۸). در این نامه‌ها، همواره بر اهمیت «توارد رسائل تودد پیام و تردد رسل ذوی الاحترام» (همان: ۴۱۶/۱) تأکید می‌شد. برخلاف این نظر که همکاری شیبانان و دولت عثمانی علیه صفوی را تأکید نشده و بدون اقدامی مؤثر می‌داند (Bregel, 1990: 522)،

نشانه‌هایی از همکاری نزدیک و حتی کمک نظامی عثمانی به شیعیان (از جمله ارسال «سیصد نفر یکیچری و طوپ و ضرب زن») در این مکاتبات دیده می‌شود (فریدون بیگ، ۱۲۷۵: ۸۱/۲-۸۰؛ کاتبی، ۲۵۳۵: ۱۳۱).

روابط سیاسی و دیپلماتیک دو کشور که گاه زمینه را برای حملات هم‌زمان در شرق و غرب به دولت صفویه فراهم می‌کرد، در انتفاعی دو سویه، زمینه تبلیغ سلاطین و خان‌ها را در مبارزه علیه «رفض و الحاد» و اجرای احکام شرع مبین اسلام فراهم می‌آورد (فریدون بیگ، ۱۲۷۵: ۲۴۴/۲-۲۴۳). این عناوین و الفاظ به آنها مشروعیت می‌بخشید و ضرورت مبارزه با دولت صفویه را در نگاه اتباع‌شان دو چندان می‌کرد.

شواهد تاریخی

مکاتبات شیعیان و صفویه، مؤید اهمیت موضوع حج در روابط فیما بین است؛ به گونه‌ای که از ارسال اولین نامه شیعیانی خان به شاه اسماعیل صفوی (نوایی، الف: ۸۸-۷۱) تا هنگام مکاتبات عبدالمؤمن با شاه عباس (Burton, 1994:51-77) در سال‌های پایانی عمر این حکومت (افوشته‌ای نظنزی، ۱۳۷۲: ۵۶۶-۴۱۴) به مدت ۱۰۰ سال، حج از مهم‌ترین مسائل مطرح میان آنها بود؛ جالب است که در مکاتبات شیعیان و دولت عثمانی نیز همین نکته دیده می‌شود (فریدون بیگ، ۱۲۷۵، ۲۴۴/۲-۲۴۳).

در سال‌های اخیر، شماری از اسناد و فرامین دولت عثمانی با موضوعیت حج در دوره صفویه، منتشر و بررسی شده است. این اقدام علاوه بر اینکه لزوم مراجعه به اسناد را وضوح بیشتری می‌بخشد، نمایانگر زوایای پنهان سیاست دولت عثمانی در برابر صفویه است. اسراء دوغان در دو پژوهش مستقل اما مربوط به هم، "تاریخ حج‌گزاری ایرانیان" و "حجاج ترکستان، راه‌ها و دشواری‌ها"^۱ به بازخوانی اسناد دولت عثمانی پرداخته است. وی با بیان

۱. بخش‌هایی از این دو اثر با کتاب "سیاست و فرهنگ روزگار صفوی" نوشته رسول جعفریان مشابهت کامل دارد. علاوه بر آن، در این کتاب آمده است: «رفتن تعداد زیادی از ایرانیان به حج باعث ریخته شدن پول ایرانیان به جیب عثمانی‌ها بود و به همین دلیل شاه عباس کوشید تا از تعداد زائران ایرانی کاهش دهد» (جعفریان، ۱۵۴/۱۳۸۸۲). وی

اینکه «از قرن دهم هجری اسنادی در اختیار داریم که نشان می‌دهد به دنبال دشواریهایی که در مسیر ایران به حج پیش آمده بود، مسیر حجاج ماوراءالنهر عوض شد و مسافرت از راه شمال دریای خزر به سمت اژدرخان صورت می‌گرفت» (دوغان، ۱۳۸۹: ۲۰۴-۱۷۵)، به تکرار این فرضیه اثبات نشده پرداخته است که تشکیل دولت صفوی مانعی برای زیارت حجاج ماوراءالنهری بود. فرضیه‌ای که پیش‌تر در اثر برگل (Beregel, 1990: 523) و اخیراً در پژوهش‌های دانشگاه‌های آنکارا (Alpagu, 2014: 401-403) و کوالامپور (MohdRoslanMohdNar, 2013: 1693) نیز آمده است.

در اسناد عرضه شده دولت عثمانی، زندانی شدن حجاج خوارزم در بازگشت از سفر حج به دست ایران و نیز فقدان امنیت در مسیر شرق صفویه، سبب تغییر مسیر از راه‌های ایران به سوی شمال دریای مازندران ذکر شده است (دوغان، ۱۳۸۹: ۱۷۸). یا این مطلب که «اقدام به سفر از طریق آستراخان به این دلیل بود که در این سال‌ها دولت صفوی با همراه کردن بابریان هندوستان، مرزهای‌شان را بر روی حجاج ترکستان بستند» (دوغان، ۱۳۸۹: ۱۹۸).

باید یادآوری کرد که در مقاله "حجاج ترکستان، راه‌ها و دشواری‌ها"، هیچ سندی در باب محاصره حجاج ماوراءالنهری و نیز نامه یا فرمانی که در آن دولت عثمانی به بستن راه‌ها توسط صفویه اشاره کند، ارائه نشده است. بلکه این موضوع به صورت مکرر فقط در نامه‌های خان‌های ازبک به سلاطین عثمانی دیده می‌شود (محمدیوسف منشی، ۱۳۸۰: ۱۰۶-۱۰۵؛ نوایی، ۱۳۶۸، ب: ۳۱۶). درک سیاست توسعه طلبی ارضی ازبکان، کوشش برای اتحاد با عثمانی علیه صفویه، در کنار عواملی چون کسب مشروعیت، ادعای مبارزه با رفض و الحاد، دلایل چنین ادعایی را در مکاتبات

به نقل از کروسینسکی آورده است: «در زمان شاه عباس ماضی بنا گذاشتند و قدغن کردند که باید زر نقد از ایران بیرون نرود و بجای زیارت حج به زیارت قبور ائمه علیه‌السلام و سایر مقابر بروند و هر کس آرزوی زیارت کعبه داشته می‌باید مبلغ خطیر به پادشاه پیشکش کند». ضعف مطالعه در منابع و مکاتبات دولت‌های صفوی، شییبانی و عثمانی موجب تکرار مطالب اشتباه در کار پژوهشگران ایرانی شده است، حال آنکه با در نظر گرفتن فاصله زمانی کروسینسکی و شاه عباس، باید مقاصد و اهداف نویسنده از بیان این نکات را بررسی و با منابع طرفین مقایسه کرد.

آنها روشن می‌کند، به ویژه آنکه وجود شواهد تاریخی در منابع هر دو حکومت خود گویای باز بودن راه‌هاست:

سید حسن خواجه نقیب‌الاشراف بخاری، سفر میرزا صبری به مکه را از "راه راست" می‌داند: «میرزا صبری بعد تحصیل فضایل..... به راه راست آهنگ حجاز نمود..... از اصفهان گذر به عراق انداخته و.... در مقام همایون حسینی مقیم شد..... از آنجا به طواف حرمین شریفین مشرف شد» (بخاری، ۱۳۷۷: ۲۷۳-۲۷۲). او در جای دیگر در باره عبیدالله خان آورده است: «مقصودش آن بود که دفع مخالف کرده و زنگوله بر ناقه طلب بسته و از راه راست آهنگ حجاز کرده و در مقام حسینی کوچک و بزرگ عشاق را به نوا رسانید به طواف کعبه معظمه..... مشرف گردد» (بخاری، ۱۳۷۷: ۲۰) و منظور او از راه راست، راه خراسان به عراق و سپس مکه است (بخاری، ۱۳۷۷: ۲۱۸ و ۶۱ و ۵۶). در نامه قل بابا کوکلتاش - از برکشیدگان و منصوبان عبدالله خان و حاکم هرات - به شاه عباس آمده است: «سال‌هاست که مردم ماوراءالنهر به جهت خصومت و نزاع طرفین از سعادت زیارت حرمین متحرمین محرومند و از خوف بیم بعزیمت حج بیت‌الله الحرام قدم به ولایت ایران که سد راه حجاز است نمی‌توانند نهاد و التماس نموده که رخصت دهند طایفه اوزبکیه و مردم ماوراءالنهر که اراده حج داشته باشند بی‌خوف و هراس آمده شد نمایند». شاه عباس با پذیرش درخواست اهالی ماوراءالنهر، سفیری به هرات فرستاد و «به میر قلبابا کوکلتاش منشور عنایت و التفات در قلم آمده در باب رخصت حج اوزبکیه ماورالنهری حسب المسئول حکم مطاع عز اصدار یافت» (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۸۲: ۵۱۵/۱). افزون بر آن، منابع دوره صفوی از شیوخ ماوراءالنهر و سادات جویباری «که در خدمت سلاطین ازبکیه امتیاز تمام دارند به قصد حج و طواف بیت‌الله الحرام از بخارا به مرو.... از آنجا به دارالسلطنه اصفهان» سخن به میان آورده‌اند (همان: ۹۵۸/۲).

بررسی مکاتبات صفویه و عثمانی نیز حاکی از درخواست شاهان صفوی برای گشایش راه‌های حج است. آنان بارها ضمن اشاره به مذاکرات و پیمان‌های صلح میان

طرفین (همان: ۹۳۲-۹۳۱) اهمیت و وجوب حج برای مردم ایران و ترس از کشته شدن (نوابی، ۱۳۶۸ ب: ۲۲۹۵)، خواستار رفع محرومیت از زیارت حج بودند. آنها از بسته بودن راه‌های حج،- همان راه معروف ابریشم- که شاهراه اقتصادی و تجاری منطقه محسوب می‌شد، زیان می‌دیدند و با روش‌های دیپلماتیک و سیاسی سعی در رفع محرومیت داشتند. بنا بر منابع دوره صفویه: «بعد از آنکه میانه حضرت شاه جم جاه و سلطان سلیم بن سلطان مراد فرمان فرمای ممالک روم قواعد مصالحه استحکام یافته از دیار عجم آمد شد حجاج بیت الله الحرام متواتر گشت» (اسکندر بیک منشی، ۱۳۸۲: ۱۶۱/۱).

از سوی دیگر، در بررسی راه‌های شمال دریای مازندران و جاده آستاراخان، اولین نکته قابل توجه، طولانی بودن راه هاست و شرایط نامساعد آب و هوایی در فصول سرد، انتخاب این راه را علی‌رغم تبلیغات و حمایت‌های مالی و سیاسی دولت عثمانی (دوغان، ۱۳۸۹: ۱۹۸-۱۸۸) توجیه ناپذیر می‌کرد. همچنین، عدم شرایط عبور زائران بر اثر امنیت ناشی از دشمنی میان خانات بخارا و خیوه، حضور و توسعه نفوذ روس‌ها در این مناطق دشوار می‌شد. بر اثر چنین مشکلاتی، مسافران از انتخاب مسیر شمال دریای مازندران پرهیز می‌کردند. در کنار این مسائل، فقدان شواهد تاریخی کافی، مسائل مربوط به سال شماری، عدم درک درست منابع قرون دهم و یازدهم هجری، اغراق تاریخی (McChsney, 2003: 130) و بی‌توجهی به سیاست‌های دولت عثمانی از دیگر عواملی است که فرضیه تغییر مسیر جاده‌ها را رد می‌کند.

نتیجه

بر خلاف فرضیه‌ای که تشکیل دولت صفوی را مانع عبور کاروان‌های زیارتی ماوراءالنهر می‌داند، شواهد تاریخی و عوامل سیاسی- جغرافیایی متعددی گواه عبور کاروان‌ها از مسیر قلمرو صفویه است که کوتاه‌ترین و بهترین راه‌های زائران ماوراءالنهر برای رسیدن به مکه بود.

همسایگان شرقی و غربی- ازبکان و عثمانی- با حملات دو سویه و هماهنگ، راه عبور و مرور زائران، مسافران و تجار را ناامن می‌کردند. آنگاه با تبلیغات علیه صفویه و به بهانه وجود ناامنی، زائران را تشویق به عبور از مسیرهای دیگری می‌کردند. این راه‌ها که از شمال دریای مازندران می‌گذشت و به دلایلی چون نفوذ روسیه و اقدامات خان‌نشین کریمه، ناامن بود، در فصول سرد سال شرایط را برای زوآر طاقت‌فرسا می‌کرد. فقط در شرایط غیرعادی مانند جنگ، زائران مؤمن و مشتاق ماوراءالنهر با درک مقام سلاطین عثمانی به عنوان خلیفه جهان اسلام و خادم حرمین شریفین، این مسیر طولانی و مشقت بار را طی می‌کردند.

منابع و مأخذ

فارسی:

- افواشته‌ای نطنزی، محمود بن هدايت الله، ۱۳۷۲، *نقاوه الاثر فی ذکر الاخيار*، به اهتمام: احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بخاری (نثاری)، سید حسن خواجه نقیب الاشراف، ۱۳۷۷، *مذکر احباب*، به تصحیح: نجیب مایل هروی، تهران: نشر مرکز.
- باسورث، ادموند، ۱۳۸۱، *سلسله‌های اسلامی جدید*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- بلخی، خواجه قلی بیک، *تاریخ قیچاق خانی*، مجموعه عکس به شماره ۲۲۵۴ - ۵۶، مرکز اسناد و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- تتوی، قاضی احمد و عاصف خان، ۱۳۷۸، *تاریخ الفی*، به تصحیح: سیدعلی آل داوود، تهران: فکر روز.
- حافظ تانیس، *شرفنامه شاهی*، نسخه خطی به شماره ۱۶۷۵، مدرسه عالی سپه سالار.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین الحسین، ۱۳۶۲، *حبيب السیر فی ابناء بشر*، به تصحیح: محمد دبیر سیاقی، تهران: خیام.
- دوغان، اسراء، ۱۳۸۹، *تاریخ حج گزاری ایرانیان*، تهران: مشعر.
- _____، ۱۳۸۴، *"حجاج ترکستان، راه‌ها و دشواری‌ها"*، میقات حج، ش ۵۴، صص. ۲۰۴ - ۱۷۵.
- دهقانی، رضا، ۱۳۸۱، *"روابط ایران و عثمانی به مثابه الگوی شرقی-اسلامی"*، فرهنگ ویژه تاریخ، ش ۷۱، صص ۹۷-۱۲۲.
- راقم سمرقندی، میر سید شریف، ۱۳۸۰، *تاریخ راقم*، به کوشش: منوچهر ستوده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- روملو، حسن بیک، ۱۳۷۵، *احسن التواریخ*، به کوشش: عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
- سیوری، راجر، ۱۳۷۲، *ایران عصر صفوی*، ترجمه: کامبیز عزیزی، نشر مرکز.
- شعبانی، رضا و راشد، ۱۳۸۹، *"نقش گذرگاهی تبریز در تجارت ابریشم ایران از دوره ترکمانان تا آغاز عصر شاه عباس اول"*، مسکویه، دوره ۵، ش ۱۴، صص. ۱۱۴.
- شهریاری، محمدعلی، ۱۳۸۶، *"پیامدهای سیاسی و اقتصادی جنگ‌های ایران و عثمانی و تأثیر آن در سقوط دولت صفویه"*، پژوهش نامه تاریخ، ش ۸.
- فریر، راند، ۱۳۸۴، *"تجارت در دوره صفویان"*، تاریخ ایران، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: جامی.

کاتبی، سیدی علی، ۲۵۳۵، *مرات الممالک*، ترجمه: م. تفضلی و ع. گنجه‌لی، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.

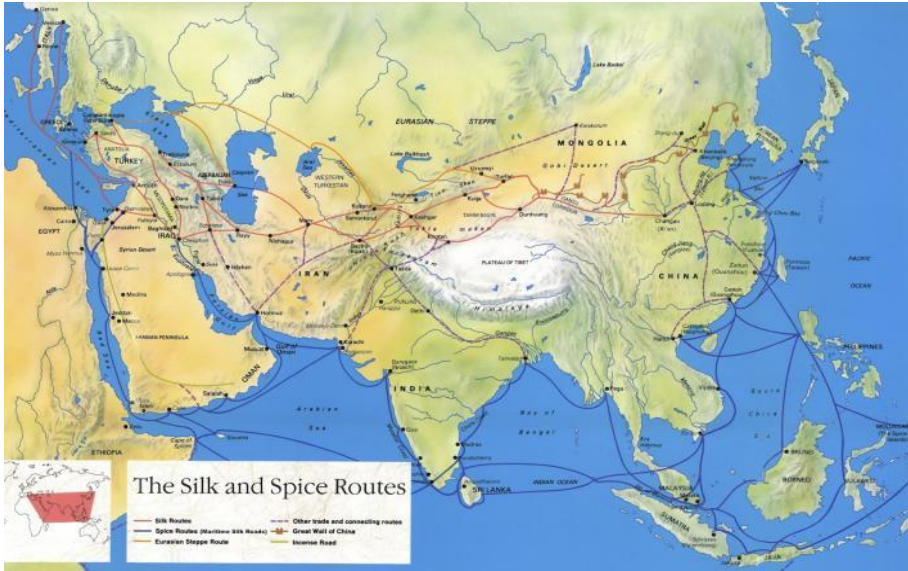
متی، رودی، "تجارت طلا در اواخر عصر صفوی بین ونیز و سورات"، ترجمه: حسن زندیه، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، س ۶، ش ۹۸-۶۸، ص. ۱۰۸

منشی، اسکندربیک، ۱۳۸۲، *تاریخ عالم آرای عباسی*، به کوشش: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر. منشی، محمد یوسف، ۱۳۸۰، *تذکره مقیم خانی*، به تصحیح: فرشته صرافان، تهران: میراث مکتوب.

نوابی، عبدالحسین، ۱۳۶۸/الف، *شاه اسماعیل صفوی*، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی، تهران: ارغوان. _____، ۱۳۶۸، ب، *شاه تهماسب صفوی*، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی، تهران: ارغوان.

لاتین:

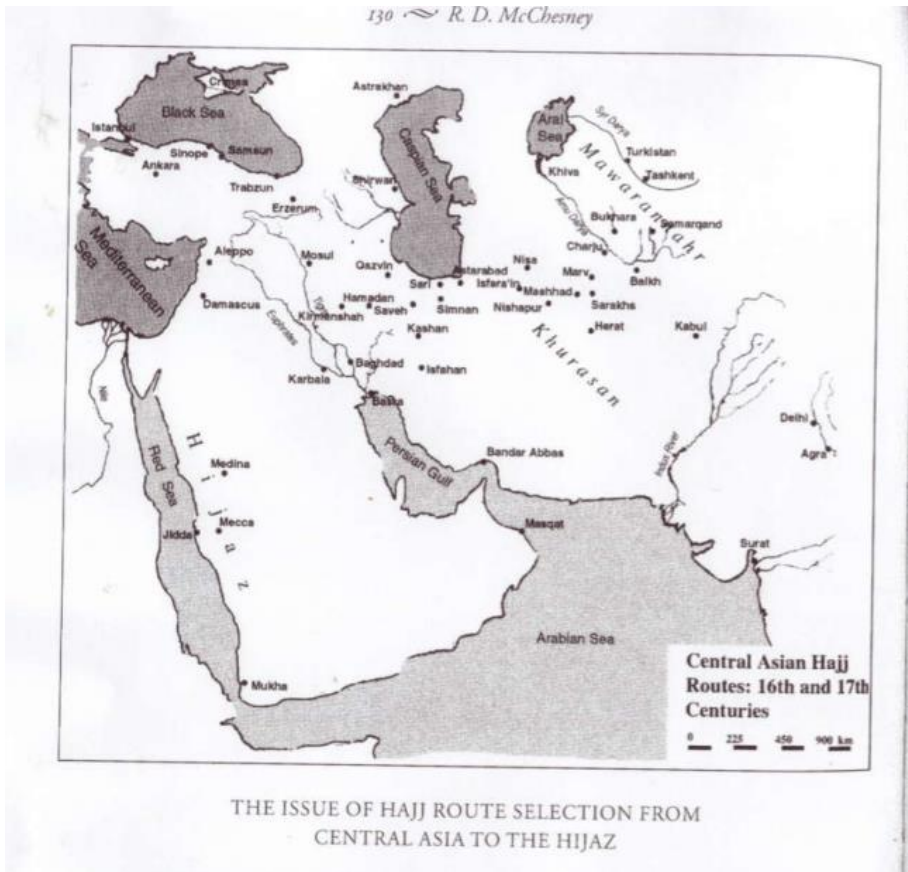
- Alpargu, Mehmet (2014), "aruous journey to hejaz: Turkestani pilgrims, The Caliph and Istanbul (16th-20th)centuris", Ankara universitesidilvetarih-cografyaFakultesi Dergisi, 54, pp 401-416.
- Bregel, Yori, (1990) "Bukhara IV .The Khanate of Bukhara and Khorasan", Encyclopedia Iranica, v.4, ed. E. Yarshaater, Routledge & Kegan Paul, London and New York, pp. 521-524
- Burton, A. (1994) "The war of words between Abd al-mumin and Sahah Abbas", Central Asiatic journal, 39, pp. 51-77
- Faroghi, Suraiya, (2004) ,The Ottoman Empire the world around it, London, I.B. Tauris & Ltd
- McChsney R. D, (2003) "The Central Asia Hajj- Pilgramoge in the time The early modern Empire", Safavid Iran her Neighbors, ed. M. Mazzaeui*, the university of utah press, pp. 129-156
- MohdRoslan MohdNar , (2013), "Asian Hajj Routes: tho reflection of history and Geography", Middle East Journal of Scientific, 14(12), pp. 1691-1699
- Tutuncu, Mehmet, (2013), Royal Ottoman inscription on the Istanbul to Mecca Pilgrimage route (Darb al Hajj al Shami)", The Hajj collected Essay, ed. V. Porter and L. Saif, London, The British Museum, pp. 36-43.



شهرهای ایران در مسیر جاده ابریشم



جاده ابریشم



McChesney R.D, 2003, "The Central Asia Hajj- Pilgrimage in the time The early modern Empire", Safavid Iran her Neighbors, ed.M.Mazzaoui*, the university of utah press

انتخاب جاده‌های حج از ماوراءالنهر به حجاز